

بسم الله الرحمن الرحيم

هست کلید در گنج حکیم



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی

زبان و ادبیات فارسی

نقد و تحلیل روایت شناسانه‌ی رمان «به هادس خوش آمدید» از
بلقیس سلیمانی و رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان بر

مبنای نظریه‌ی ژرار ژنت

استاد راهنما

دکتر سید علی قاسم‌زاده

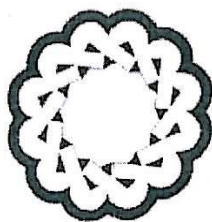
استاد مشاور

دکتر حمید جعفری

نگارنده

عبدالله شیخ حسینی

اسفندماه ۱۳۹۱



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عبدالله شیخ حسینی لری با عنوان

نقد و تحلیل روایت شناسانه‌ی رمان به هادس خوش آمدید از بلقیس سلیمانی و رمان سفر

به گرای ۲۷۰ درجه از احمد دهقان بر مبنای نظریه ژرار زنت

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

امضاء
امضاء
امضاء
امضاء
امضاء

- | | | |
|-----------------------------|-----------------------|--------------------------|
| ۱- استاد راهنمای پایان‌نامه | دکتر سیدعلی قاسم زاده | با مرتبه‌ی علمی استادیار |
| ۲- استاد مشاور پایان‌نامه | دکتر حمید جعفری | با مرتبه‌ی علمی استادیار |
| ۳- استاد داور داخل گروه | دکتر نرگس باقری | با مرتبه‌ی علمی استادیار |
| ۴- استاد داور داخل گروه | دکتر سعید حاتمی | با مرتبه‌ی علمی استادیار |
| ۵- نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی | دکتر سمیرا سعیدنیا | با مرتبه‌ی علمی استادیار |

کلیه‌ی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات و ابتکارات حاصل از تحقیق موضوع این

پایان‌نامه متعلق به دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان می‌باشد.

سپاس‌گزاری:

در آغاز سپاس‌ خدایی را که هر چه دارم ازوست. نمی‌توانم معنایی بالاتر از تشکر و قدر دانی بر زبان جاری سازم تا گوشه‌ای از رهنمودها و زحمتهای دکتر سیدعلی قاسم‌زاده به عنوان استاد راهنما و دکتر حمید جعفری به عنوان مشاور و معلم اخلاق و معرفت را جبران نمایم. از یاری و همکاری همسرم در تمامی مراحل انجام این پایان‌نامه قدردانم.

تقدیم:

به روح مادرم، زحمات برادرم و فداکاری‌های همسرم...

چکیده

در میان عناصر روایت، پیرنگ و پیوند آن با زمان نقشی محوری دارد؛ زیرا نه تنها کنش شخصیتها و زاویه دید راوی- از دیگر اجزای مهم روایت- در زنجیره پی رفت‌های آن ظهور و بروز می‌یابند، کیفیت پیوستگاری آن دو در بازنمایی سبک شخصی و تکنیک‌های داستانی اهمیتی ویژه دارد. این پژوهش ناظر بر این اهمیت کوشیده است، تفاوت‌های دو رمان مرتبط با جنگ تحمیلی یکی "به هادس خوش آمدید" از بلقیس سلیمانی و دیگری "سفر به گرای ۲۷۰ درجه"، از احمد دهقان را از منظر پیرنگ، بخصوص نقش زمان در روایت پردازش زنانه و مردانه از جنگ بپردازد و برای تحقق این هدف، چارچوب نظری تحقیق خویش را بر یکی از مهمترین نظریه‌های موجود در بررسی پیوند زمان با روایت؛ یعنی نظریهٔ زمانی «ژرار ژنت» استوار کرده است، از حاصل کاربست این نظریه بر می‌آید که زمان در رمان بلقیس سلیمانی بهتر توانسته با اجزای پیرنگ پیوند خود را حفظ کند.

واژگان کلیدی: رمان دفاع مقدس، بلقیس سلیمانی، احمد دهقان، زمان و روایت، ژرار ژنت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مبانی نظری تحقیق
۲	۱-۱- طرح مسئله و اهمیت پژوهشی آن
۳	۲-۱- مسأله‌های تحقیق
۴	۳-۱- هدف‌های پژوهش
۴	۴-۱- فرضیه‌های تحقیق
۵	۵-۱- روش تحقیق
۵	۶-۱- مروری بر پژوهش‌های انجام شده
۶	۷-۱- جنبه‌های نو بودن پژوهش
۷	فصل دوم: تعاریف و کلیات
۸	۱-۲- مقدمه
۹	۲-۲- تعریف روایت
۱۰	۳-۲- تاریخچه روایت
۱۲	۴-۲- رابطه بین روایت و واقعگرایی
۱۳	۵-۲- اجزای روایت
۱۳	۱-۵-۲- کارکرد (کوچکترین عنصر روایت)
۱۵	۲-۵-۲- پی‌رفت
۱۵	۳-۵-۲- پیرنگ یا طرح
۱۸	۴-۵-۲- زمان
۲۰	۱-۴-۵-۲- نظم و ترتیب
۲۲	۲-۴-۵-۲- بسامد
۲۳	۳-۴-۵-۲- تداوم
۲۵	۵-۵-۲- زاویه دید و راوی

۲۶ انواع زاویه دید	۱-۵-۵-۲
۲۷ اجزا و عناصر روایتگری	۲-۵-۵-۲
۲۹ انواع راوی	۳-۵-۵-۲
۳۰ شخصیت و شخصیت‌پردازی	۶-۵-۲
۳۲ روابط حاکم بر روایت	۶-۲
۳۴ سبک‌شناسی روایت	۷-۲
۳۶ رمان و روایت	۸-۲
۳۷ ادبیات داستانی جنگ	۹-۲
۴۱ فصل سوم: تحلیل روایت‌شناسی رمان‌ها	
۴۲ تحلیل روایت‌شناسی رمان "به هادس خوش آمدید"	۱-۳
۴۲ خلاصه رمان	۱-۱-۳
۴۳ درباره‌ی نویسنده	۲-۱-۳
۴۴ عناصر روایی	۳-۱-۳
۴۴ شخصیت‌پردازی	۱-۳-۱-۳
۴۷ زاویه‌ی دید و راوی	۲-۳-۱-۳
۵۱ شگردهای بیان روایت در این رمان	۱-۲-۳-۱-۳
۵۲ پیرنگ و زمان	۳-۳-۱-۳
۵۲ اجزای پیرنگ	۱-۳-۳-۱-۳
۵۵ کیفیت زمان در زنجیره پیرنگ	۲-۳-۳-۱-۳
۶۷ تحلیل روایت‌شناسی رمان "سفر به گرای ۲۷۰ درجه"	۲-۳
۶۷ خلاصه رمان "سفر به گرای ۲۷۰ درجه"	۱-۲-۳
۶۷ زندگی احمد دهقان	۲-۲-۳
۶۸ درباره‌ی رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه	۳-۲-۳
۷۱ عناصر روایی	۴-۲-۳
۷۱ شخصیت‌پردازی	۱-۴-۲-۳

۷۵ زاویه دید و راوی ۲-۴-۲-۳
۷۸ پیرنگ و زمان ۳-۴-۲-۳
۷۸ پیرنگ و اجزای آن ۱-۳-۴-۲-۳
۸۱ زمان و اجزای آن ۱-۲-۳-۴-۲-۳
۹۳ فصل چهارم: مقایسه و نتیجه‌گیری
۹۴ ۱-۴ - مقایسه این دو روایت (روایت بلقیس سلیمانی و احمد دهقان)
۹۴ ۱-۴-۱-الف) تفاوت‌های زبانی
۹۶ ۱-۴-۲-ب) نوع نگرش به حاکمیت مرد سالاری در روایت
۹۸ ۱-۴-۳-ج) تفاوت در توصیف‌گری
۹۸ ۱-۴-۴-د) مقایسه شیوه‌های روایت‌گری
۱۰۱ ۲-۴ - نتیجه‌گیری
۱۰۳ فهرست منابع

فصل اول
مبانی نظری تحقیق

۱-۱- طرح مسأله و اهمیت پژوهشی آن

بی‌گمان عصر حاضر را به تناسب غلبهٔ رمان‌نویسی بر دیگر انواع ادبی، باید عصر سلطهٔ روایت دانست. چنانکه بسیاری از منتقدان و روایت‌شناسان ساختارگرا چون تودروف، ژنت، بارت و دیگران از پیوند عمیق روایت با زندگی بشر سخن رانده‌اند. از این رو، همزمان با تحول و پیچیدگی‌های زندگی انسان معاصر، شاهد تغییر و تحول ژرف در سطح بینش و همچنین شگردهای پردازش داستانی هستیم.

در کشور ما نیز، در یک یا دو دههٔ اخیر به تبعیت از جریانهای داستان پردازی غرب، این ویژگی؛ یعنی توجه عمیق و همه‌جانبه به تکنیکهای داستانی بویژه روایت پردازی، در میان نویسندگان و منتقدان ادبیات داستانی رشدی چشمگیر یافته است؛ به گونه‌ای که همه باورها و نقدهای کلاسیک را از داستان و رمان متحول ساخته است.

اگر روایت را نقل علی و معلولی حوادث از راوی به روایت شنو تعریف کنیم، روایت شامل سه عنصر اساسی سلسلهٔ حوادث (پیرنگ)، شخصیت و راوی است و ساختار روایی هر داستانی حاصل تعامل این عناصر است. در میان نظریه پردازان روایت، دیدگاه‌های ژنت توجه بسیاری از منتقدان و نویسندگان را به خود معطوف کرده است. تمرکز بوطیقای روایت شناسی ژنت به عنصر پیرنگ و دو عامل اساسی زمان و زنجیرهٔ حوادث- که آن را در سه سطح (بسامد، تداوم، نظم و ترتیب) مطرح کرده- در کنار نظرگاه روایی (نسبت موقعیت راوی به داستان از نظر مکان و زمان) نه تنها معیارهای نقد داستان را متأثر نمود، نویسندگانی متعدد را به بهره‌گیری از شگردهای روایی طراحی شده ژنت کشاند. اکنون با وجود گرایشهای نقد پس‌ساختارگرایانهٔ روایت، هنوز نظریات او یکی از کاراترین نظریات برای تفسیر و نقد ادبیات داستانی (داستان کوتاه و رمان) محسوب می‌شود.

اگرچه به باور برخی، نفوذ تفکرات فمینیستی در ایران از عوامل ظهور و حضور کثیر زنان داستان نویس در دورهٔ معاصر (پس از انقلاب) است، نباید فراموش کرد که با گسترش سطح سواد و ورود زنان به عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... که به حق از رهاورد انقلاب اسلامی در ایران به شمار می‌آید، حضور زنان داستان نویس بیش از گذشته نمایان شده است؛ زنانی که با وجود حاکمیت تفکر سنتی مردسالارانه در جامعهٔ ایرانی، تلاش کرده‌اند همگام با مردان، همانند حضور دوشادوش با مردان در عرصه‌های انقلاب چون پیروزی انقلاب، جنگ تحمیلی، سازندگی و... به روایت حوادث زندگی فردی و اجتماعی زمانه از دریچهٔ نگاه زنانه خود بپردازند و چه بسا در این راه با قهرمان سازی از زنان و یا سپردن نقش راوی- شخصیت به زنان، از بسیاری از مردان پیشی گرفته‌اند. مقایسه شگردها و شیوه‌های روایت پردازی زنانه و

مردانه می‌تواند آشکار کننده نحوه نگرش، توانمندیها و رقابت سالم آنان در تثبیت موقعیت خود(متن و روایت زنانه) در جامعه ایرانی باشد. یکی از آن عرصه‌های مشترک که تا حدودی نقش زنان مغفول مانده، ادبیات داستانی دفاع مقدس است. به باور برخی از نویسندگان زن، ادبیات داستانی دفاع مقدس با نشان دادن حاشیه‌ای و کاتالیزور از زنان، روایتی مردانه از جنگ را به نمایش می‌گذارد، در حالی که در کنار جهاد اصغر مردان، این زنان بودند که با مصایب جنگ بویژه بُعد اکبر جهاد درگیر بودند و بالاچار بایست هم با پیامدهای از دست دادن فرزند، شوهر، برادر و... زندگی خود را پی بگیرند و هم با مشکلات زندگی در دنیای مردان بدون حضور شوهران، برادران و پدران خویش وفق یابند. متأثر از چنین دیدگاهی است که نویسندگان زن چون بلقیس سلیمانی با محور قرار دادن زنان در آثار داستانی‌اش، می‌کوشند روایتی زنانه از حوادث اجتماعی پس از انقلاب به نمایش گذارند.

رمان معروف «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» (۱۳۷۵) نوشته احمد دهقان - که برنده جایزه «بیست سال داستان نویسی» شد- و دیگری رمان معروف «به هادس خوش آمدید» از بلقیس سلیمانی را می‌توان نموداری از دو نگرش مردانه و زنانه به مسائل مشترک اجتماعی از جمله موضوع دفاع مقدس دانست که می‌تواند در بازگو کردن و نشان دادن شیوه روایت پردازی و مقایسه توانمندیهای نویسندگان زن و مرد ایرانی و همچنین کشف و شناخت دیدگاهها و سلاقی و سبکهای روایت پردازی زنانه در برابر مردانه در جامعه مردسالار ایرانی نقشی روشن کننده داشته باشند. لذا این پژوهش به شیوه‌ای علمی در پی بازکاوی این دو اثر از میان بهترین رمانهای دهه اخیر است تا تفاوت نگرش زنانه و مردانه معاصر را در برابر پدیده‌های اجتماعی ایران معاصر تبیین نماید.

۲-۱- مسأله‌های تحقیق

۱. عمده‌ترین دلایل ماندگاری و جذابیت رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «به هادس خوش آمدید» کدام است؟
۲. مهمترین دلیل توجه بلقیس سلیمانی به مقوله جنگ چیست؟
۳. برجسته‌ترین تفاوت‌های روایت‌پردازی بلقیس سلیمانی در رمان «به هادس خوش آمدید» نسبت به رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان کدام است؟

۱-۳- هدفهای پژوهش

اگرچه نوپایی علم روایت در ادبیات داستانی ایران و ناآشنایی غالب داستان نویسان به اصول روایت پردازی یکی از عوامل ضعف در تکنیکهای داستان نویسی معاصر به شمار می‌آید، توجه به آثار نویسندگانی که در سالهای گذشته به شهرت و مقبولیت خاص و عام رسیده اند، امید در جهانی کردن اندیشه‌های اصیل اسلامی- ایرانی در قالب رمان بیش از پیش نمودار می‌کند؛ مقوله‌ای که می‌تواند راهگشای نسل نو و نسل آینده در استفاده از تجارب این نویسندگان و تلفیق آن با نوآوریهای خاص خود باشد. روشن است بررسی و تحلیل علمی کیفیت فنون داستانی و تکنیکهای روایت پردازی آثار برجسته و مهم معاصر، نه تنها می‌تواند در ترویج آن کمک کند، اهمیت شیوه‌های روایت پردازی هنرمندانه را در ماندگاری و تأثیرگذاری رمانهای معاصر فارسی بازگو می‌کند. این موارد در کنار آشنایی با توانمندیهای زنان داستان نویس و تفاوت شگردهای روایی زنانه و مردانه، می‌تواند راهگشای بسیاری از منتقدان حوزه ادبیات داستانی در تحلیل دقیق آثار و همچنین آشنایی دانشجویان با ظرفیتهای دانش روایت، در ایجاد آثار برجسته و ماندگار و تأثیرگذار باشد. به دیگر سخن می‌توان اهداف زیر را در اجرای این پژوهش نام برد:

۱. شناسایی کیفیت پردازش زنانه و مردانه به موضوع جنگ؛
۲. بازشناسی زمان و کیفیت انعکاس آن در داستانهای زنان و مردان حوزه‌ی دفاع مقدس؛
۳. معرفی رویکرد روایت‌شناسی ژنت در واکاوی پیرنگ داستانی؛
۴. آشنا نمودن دانشجویان با رویکردهای علمی جدید و بینارشته‌ای.

۱-۴- فرضیه‌های تحقیق

۱. عمده ترین عامل ماندگاری و استقبال خاص و عام به دو اثر یاد شده، پیوند عمیق صورت و معنا و روایت پردازی هنری آنهاست.
۲. بلقیس سلیمانی به عنوان نماینده قشر زنان داستان نویس، با روایت زنانه از جنگ و دیگر پدیده‌های اجتماعی تاریخ انقلاب اسلامی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ در پی آشکار نمودن نقش مغفول مانده زنان و به نوعی برانگیختن توجه بیشتر به زنان است.
۳. شیوه روایت پردازی سلیمانی به دلیل تلفیق شگردهای مدرنیستی و پسامدرنیستی با شگرد روایت پردازی مدرنیستی احمد دهقان متفاوت است. محوریت نقش زن در رمان «به هادس خوش آمدید» در

مقابل قهرمان سازی مردانه رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، توجه عمیق و ظریفتر سلیمانی به عنصر زمان و زاویه دید هنری از عمده‌ترین تفاوت‌های آن دو به شمار می‌رود.

۱-۵- روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و چارچوب نظری آن بر اصول و معیارهای نقد روایت‌شناسانه ژنت بویژه مبحث زمان و عناصر آن در روایت متکی است.

۱-۶- مروری بر پژوهش‌های انجام شده

عمده‌ترین عامل ماندگاری و استقبال خاص و عام به دو اثر یاد شده، پیوند عمیق صورت و معنا و روایت‌پردازی است و با توجه به اینکه در سال‌های اخیر توجه به دانش روایت‌شناسی در ایران رشد داشته است، اما استفاده از شگردها و نظریه‌های ژرار ژنت در تحلیل آثار داستانی کمتر دیده می‌شود. نگاهی به پایگاه‌های اطلاعاتی چون (irandoc) و (sid) به خوبی این ادعا را ثابت می‌کند. اگرچه ممکن است در متن برخی از پایان‌نامه‌ها یا رسالات دکتری به طور جسته و گریخته نظریات ژنت یافت شود، هیچ کدام مستقلاً به تحلیل آثار ادبی با تکیه بر نظریات ژنت نپرداخته‌اند و تنها سه مقاله، نخست: «بررسی عنصر زمان در روایت با تاکید بر حکایت "اعرابی درویش" در مثنوی» (۱۳۸۶) نوشته غلامحسین زاده و دیگران در مجله پژوهش‌های ادبی، دوم، «بررسی رابطه زمان و تعلیق در روایت "پادشاه و کنیزک" در مثنوی» نوشته غلامحسین زاده و دیگران (۱۳۸۸) در مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی و سوم، «نقد روایت‌شناسانه مجموعه "ساعت پنج برای مردن دیر است" بر اساس نظریه ژنت» نوشته قدرت الله طاهری و لیلا سعادت (۱۳۸۸) مجله ادب پژوهی؛ مستقلاً به این نظریات در نقد داستان توجه کرده‌اند. در باب رمان‌های برگزیده نیز، جز نقدها و سخنان ژورنالیستی در برخی روزنامه‌ها و سایت‌های ادبی، تاکنون تحقیق علمی و دانشگاهی صورت نگرفته است؛ چنانکه درباب مقایسه شیوه روایت‌پردازی زنانه و مردانه در پرداختن به تجارب مشترک اجتماعی چون جنگ تحمیلی نیز تحقیق مستقلی انجام نشده است. لذا این پایان‌نامه می‌تواند الگویی نیکو و عملی، برای نویسندگان جوان و منتقدان ادبیات داستانی، در رویارویی عینی با نقد عملی و علمی رمانها باشد.

۱-۷- جنبه‌های نوبودن پژوهش

با توجه به اینکه رمانهای انتخاب شده جزء برجسته‌ترین رمانهای دهه‌های اخیر در حوزه دفاع مقدس به شمار می‌آیند و استقبال مخاطبان عام و خاص گواه اهمیت و تأثیرگذاری این دو رمان است، تحلیل و نقد علمی و عملی اینگونه آثار می‌تواند برای آشنا نمودن دانشجویان و گاه منتقدان با عوامل برجستگی و تأثیرگذاری در جامعه مفید باشد. با وجود نقدها و سخنان ژورنالیستی درباره رمانهای برگزیده، تحلیل روایت‌شناسانه و علمی این دو رمان با تأکید و تکیه بر نظریات ژرار ژنت، روایت‌شناس برجسته ساختارگرا، و رویکرد مقایسه‌ای در کشف وجوه اشتراک و افتراق در روایت‌پردازیهای زنانه و مردانه به مقولات مشترک اجتماعی، امری تازه به شمار می‌آید.

فصل دوم

تعارف و کلیات

نقد و تحلیل روایت‌شناسی در دهه‌ی اخیر مورد استقبال دانشجویان و پژوهندگان قرار گرفته است، این استقبال و توجه ما را بر این داشت تا دو رمان، "سفر به گرای ۲۷۰ درجه"، از احمد دهقان و "به هادس خوش آمدید"، از بلقیس سلیمانی، را از نظر روایت‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل، همچنین عناصر و اجزای روایی این دو اثر را مشخص کنیم. این دو رمان جزء آثار دفاع مقدس (ادبیات جنگ، یا ادبیات دفاع مقدس) هستند، جنگ واقعیتی است که در این دو دهه‌ی اخیر مورد توجه نویسندگان ما قرار گرفته است، ادبیات (به ویژه نوع رمان) سعی کرده است این واقعیت را از منظری دیگر بنگرد. احمد دهقان و بلقیس سلیمانی جزء نویسندگانی هستند که تلاش کرده‌اند که با عبور از لایه‌های ظاهری به اعماق جنگ راه پیدا کنند، البته این نکته را هم باید دانست زمانی که از ادبیات دفاع مقدس صحبت می‌کنیم بیشتر شعر به ذهن مخاطب خطور می‌کند تا نثر، اما آثاری که در دوره‌ی انقلاب یا پس از آن به شکل نثر در زمینه جنگ نوشته شده‌اند بویژه داستان‌نویسی و رمان‌نویسی، توانسته‌اند تأثیر زیادی بر مخاطب و نسل جوان بگذارند و بازتابی بسیار واقع‌گرایانه از دوره جنگ باشند، و مسائل اجتماعی، فرهنگی، اعتقاد و روحیه‌ی رزمندگان را به خوبی به تصویر کشند، شاید بتوان نقش رمان و داستان کوتاه را در بازتاب ادبیات دفاع مقدس، از دیگر گونه‌های ادبی بیشتر و مؤثرتر دانست. البته در این دو رمان با توجه به مرد و زن بودن این دو نویسنده، چون احمد دهقان خود در خط مقدم جبهه است و همه صحنه‌ها و رخدادها را از نزدیک می‌بیند، به طور مستقیم با رزمندگان و شرایط جنگ در تماس است، داستان خود را از نگاه راوی اول شخص به تصویر می‌کشد به همین دلیل می‌تواند مخاطب خود را بهتر در حال و هوای جبهه و جنگ قرار دهد، اما بلقیس سلیمانی کمتر به موضوع جنگ پرداخته است، بیشتر شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوره را بیان می‌کند و اگر جایی هم به دوران جنگ اشاره کرده است به صورت اخباری است که از روزنامه‌ها می‌خواند، یا مدت زمانی را که شخصیت اصلی داستانش به طور اتفاقی به شهرهای جنگی می‌رود، شرایط رزمندگان و مردم آن شهرها را به تصویر می‌کشد.

روایت‌شناسی به دنبال بررسی نظم حاکم در روایت‌ها، کشف و تحلیل مناسبات میان اجزای روایت و چگونگی پیوند عناصر درونی یک داستان یا روایت است که باعث ایجاد سبک، شیوه و دست‌ورزبان مخصوص به روایت می‌شود. دانش روایت‌شناسی سابقه‌ای طولانی ندارد و در کشور ما هم کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تحقیقات و پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، متأسفانه بسیار اندک می‌باشد، ساختارگرایی نظیر گرماس، تودوروف، بارت، ژنت و برمون در مطالعه داستان‌ها به کشف الگوها و

بن‌مایه‌های زنجیره‌ای داستان توجه کرده‌اند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و چارچوب نظری آن بر مبنای نظریه‌ی ژرار ژنت استوار است، در نتیجه زمان که یکی از اصلی‌ترین عناصر روایت است، در تحلیل دو رمان "به هادس خوش آمدید"، از بلقیس سلیمانی و "سفر به گرای ۲۷۰ درجه"، از احمد دهقان، مورد توجه قرار می‌گیرد و بررسی زمان در دانش روایت‌شناسی در سه قالب «نظم، تداوم و بسامد» صورت می‌گیرد، همچنین سعی ما بر این بوده است با توجه به زن و مرد بودن این دو نویسنده، تفاوت‌های یک روایت زنانه با روایت مردانه را مشخص کنیم و به تحلیل آن بپردازیم. نگرش مردانه و زنانه بودن این دو نویسنده به شکل روایت آنها تأثیر گذاشته است، پیرنگ داستان در رمان به هادس خوش آمدید، نسبت به سفر به گرای ۲۷۰ درجه آشفته‌تر است، چون نویسنده از جابه‌جایی‌های زمانی بیشتر استفاده کرده است و خواننده را برای رسیدن به پایان داستانش به انفعال و کنجکاو‌ی بیشتری می‌کشانند، این خود نشانگر این است که آشنایی نویسنده‌گان و داستان‌نویسان ما با اصول روایت‌شناسی جدید از جمله مسئله زمان، که سابقه‌ای طولانی ندارد باعث بوجود آمدن آثاری باکیفیت‌تر و جذاب‌تر می‌شود.

۲-۲- تعریف روایت

والاس مارتین معتقد است نمی‌توان تعریفی جامع و خاص برای روایت پیدا کرد، تعریف روایت همیشه سیال و در حال دگرگونی است. (والاس مارتین، ۱۳۸۹: ۲۹) او با اینکه تعریف‌هایی متعدد از نظریه‌پردازان روایت، برای روایت آورده است، در پایان کتابش نیز با اشاره به پرسش «روایت چیست؟» همچنین معتقد است که افزایش اصطلاحات مربوط به نظریه روایت‌شناسی از سهل‌انگاری یا واژه‌سازی بی‌مورد برای جایگزینی اصطلاحات از پیش رایج نیست، بلکه ناشی از آن است که هدف و در نتیجه چارچوب تحلیلی نظریه‌ها با هم تفاوت دارد؛ یعنی نظریه‌های گوناگون یکسان نیستند و نمی‌توان اندیشه‌های آنها را با واژگان یکسان بیان نمود. (والاس مارتین، ۱۳۸۹: ۳)

بخشی از دشواری تعریف جامع و مانع از روایت به اختلاف دیدگاهها و نگرشهای روایت‌شناسان در حیطه‌های مختلف بر می‌گردد. چنانکه هر یک به جنبه‌ای خاص از روایت تکیه کرده‌اند؛ مانند ادوارد مورگان فورستر نویسنده انگلیسی که از منظر معناشناسی روایی به روایت پرداخت، اندکی بعد ویکتور شکلوفسکی با تکیه به مشرب فرمالیستی خود، روایت را با صنعت «آشنایی‌زدایی» تعریف کرد، کلود لوی استراوس تحت تأثیر فردینان دوسوسور با مبنا قرار دادن مشرب اسطوره به تعریف روایت وارد شد، تزوتان تودوروف، مسأله دستور زبان روایت را مطرح ساخت، ژرار ژنت روایت را با کانون مرکزی زمان بازتعریف